# زبان در کام گرفته!

بهروز فرهمند
روزنامه‌نگار

اعتراف می‌کنم هرگز تا این اندازه برای نوشتن در رسانه، شرمنده و بی انگیزه نبوده‌ام. دیروز وقتی همکار ارجمند، نوبت یادداشت امروز را یادآوری ام کرد، کمی درنگ کردم و از خودم پرسیدم برای که و درباره چه و با امید به تأثیر گذاری بر کدام درد و مشکل بنویسم؟ وانگهی کو گوش شنوا؟ درست‌تر بگویم، گوش ناشنوایش هم، دیگر پیدا نمی‌شود.

همان مخاطب سخن را می‌گویم که بخواند و «به به و چه چه» ای بگوید یا دست‌کم، لعن و تف و نفرین و ناسزایی رانثار نویسنده کند. بنابراین اول پوزش خواستم و از نوشتن، عذر.

اما نمی‌دانم چه شد که بازهم آمدم به سروقت رایانه و صفحه سپید را گشودم تا این چند خط را قلمی کنم.

راستش را بخواهید، ما جماعت روزنامه چی و اهل رسانه، از بس که کنار گود نشسته‌ایم و گفته‌ایم «لنگش کن»، به یک سندروم بی درمان مبتلا شده‌ایم که من نامش را می گذارم سندروم «لفاظی بی نتیجه»!

بگذریم... همین چند روز پیش، یکی از دوستان که مهندس ساختمان است و وضعیت مالی اش هم بد ک نیست، زنگ زد و گفت که سه ساعت در صف مرغ بوده و با شماره کارت ملی اش، ۲ مرغ گرفته و ظفرمندانه، روانه خانه اش شده است. گفتمش: بروخدا را شکر کن.

چه می توانستم بگویم؟

گفت: بنویسید که این روش مملکت داری نیست.

گفتم: نوشته‌ایم و بازهم می نویسیم.

این نکته را هم گفتم که این نایابی ها و گرانی ها در بازار، به هیچ وجه، طبیعی نیست.

طبیعی نیست، یعنی فقط ریشه در تحولات بازار و فرمول های اقتصادی ندارد.

این نکته را نیز در گوشی به رفیق شفیق گفتم و حالا هم آهسته، زیر گوش شما نجوا می کنم که این روزها سخت به این نتیجه رسیده‌ام که جماعتی می خواهند هموطنانم را عصبانی و از کوره به در کنند. وگرنه کمبود مرغ که معضل فرستادن شاتل فضایی به مریخ نیست که تا این اندازه، مردم را درگیر کند و مسئولان را سرگرم راه اندازی ستاد ویژه مرغ، تا دست آخر هم نتیجه اش بشود همین بلبشوی شرمسارانه ای که می بینیم و می بینید.

برمی گردم به همان ادعای نه چندان گزاف و از خودم می پرسم: چه دست‌هایی در پشت پرده، می خواهند مردم ایران را به نقطه جوش برسانند؟

این جماعت، چه کسانی هستند؟

- اگر شما شناختیدشان، من هم می شناسم.

وقتی آب را گل آلود کردند، قرار است کدام ماهی خودشان را از آن آب بگیرند؟

- نمی دانم.

هدفشان، آیا فقط بازار و اقتصاد است؟

- من یکی که چنین فکر نمی کنم.

چه دستگیرشان می شود از نومید کردن و خشمگین کردن مردم؟

- بگذارید زبان در کام بگیرم!

آیا به پیامد کارهای خودشان فکر می کنند که بر سر کشور و مردم، چه می آورند؟

- اگر شما سرنخی از شان پیدا کردید، از خودشان بپرسید.

هم زمانی و نزدیک بودن این ماجراها با انتخابات پیش رو، آیا تصادفی است؟

- سکوت و دیگر هیچ!...

باور کنید نمی خواهم گمانه زنی کنم، اما روند ناراضی تراشی ها به گونه ای پیش می رود که هر آدم - هر چند خوش بینانه - هم پرسش هایی از این دست، به ذهنش می رسد.

بگذارید سخن کوتاه کنم.

مردم این سرزمین هوشمندتر از آن هستند که من و شما فکر می کنیم.

اگر برخی ها در اتاق های فکر محفلی نشسته اند و می خواهند با حیثیت و عزت و آبروی این مردم، بازی سیاسی خودشان را پیش ببرند، بدانند که روشی بدفرجام را برگزیده اند و زبانه های آتش این قمار خطرناک، بیش از همه، بی گمان دامنگیر خودشان می شود و خشک و تر را با یکدیگر می سوزاند. از ما گفتن بود و نه بیش!


حدیث روز

**پیرس تا دانا شوی و عدالت پیشه کن تا حاکم گردی.**

امام علی(ع)

رطوبت هوا ۱۹٪ ↓۱۷° ↑۲۶°

صبح ۲۳ | ظهر ۲۶ | عصر ۲۱ | شب ۲۰

اذان ظهر ۱۲:۳۲:۴۸ | نیمه شب شرعی ۲۳:۴۸:۴۸
غروب آفتاب ۱۹:۰۱:۰۶ | اذان صبح فردا ۰۴:۳۴:۵۲
اذان مغرب ۱۹:۱۹:۴۳ | طلوع آفتاب فردا ۰۶:۰۳:۰۷

روزنامه شهر امید و زندگی
SHAHRARANEWS.IR
شنبه
۲۱ ۰۱ ۰۰
۲۰ صفحه، ۱۲ صفحه + ۴ صفحه ورزشی
۴ صفحه زندگی نو
شماره ۳۳۵۶ | ۱۰۰۰ تومان
میثاق‌نامه اخلاق حرفه‌ای

روزنامه فرهنگی- اجتماعی- اطلاع رسانی
صاحب امتیاز: شهرداری مشهد
مدیر مسئول و سردبیر: سید هادی فیاضی
نشانی: میدان شهدا، نبش دانشگاه ۱
دفتر مرکزی: ۵ - ۳۷۲۸۸۸۸۱
نمابر: ۳۷۲۳۸۳۱۰
روابط عمومی: ۳۷۲۴۳۱۱۰
شماره پیامک: ۳۰۰۰۷۲۸۹
چاپ: شهر چاپ خراسان


## کیوسک

### دیپش دومیدی

افزایش آمار مبتلایان و جان‌باختگان ویروس کووید۱۹ از یک سو و عوارض ناشی از بعضی واکسن‌ها مانند «استرازنکا» از سوی دیگر، نگرانی‌هایی را به‌وجود آورده‌است. همین موضوع موجب شده است «دیپش دومیدی» در مطلبی با تیتر «باید از استرازنکا ترسید؟» به عوارض این واکسن اشاره کند. این روزنامه فرانسوی نوشته است: «عوارض جانبی واکسن سوئدی-انگلیسی به ویژه لخته شدن خون که منجر به مرگ و میرهایی شده است، در افکار عمومی شک و تردید ایجاد کرده است و خطر کند شدن کارزار واکسیناسیون در اروپا را به همراه دارد.»

### وال‌استریت‌ژورنال

این روزنامه آمریکایی در مطلبی با تیتر «همکاری پروکتر اند گمبل با شرکت‌های چینی»، از تلاش این شرکت‌ها برای جمع‌آوری اطلاعات گوشی‌های آیفون می‌نویسد. در این مطلب آمده است که به‌دنبال قوانین حریم خصوصی جدید شرکت اپل، شرکت چندملیتی «پروکتر اند گمبل» با همکاری شرکت‌های چینی، به دنبال راهی به‌منظور دور زدن اپل قوانین برای منافع تبلیغاتی هستند.

### تایمز

روزنامه بریتانیایی تایمز در تیتر یک خود نوشته است: «بیشتر بریتانیایی‌ها به واکسن آکسفورد اعتماد دارند». براساس نظرسنجی تایمز، باوجود انتشار گزارش‌هایی معتبر درباره ارتباط تزریق واکسن استرازنکا و تشکیل لخته خون، ۷۵ درصد از مردم بریتانیا هنوز به این واکسن اعتماد کامل دارند، این درحالی‌است که به افراد زیر ۳۰ سال توصیه شده است از واکسن‌های دیگر استفاده کنند.

### آستریلین

این روزنامه استرالیایی در تیتر یک خود با عنوان «جایگزینی استرازنکا در پی ترس از تشکیل لخته خون» به تصمیم‌گیری‌های مقامات کشورها درباره نگرانی‌های فزاینده درمورد واکسن استرازنکا پرداخته است. آستریلین می‌نویسد که براساس توصیه‌های مشاوران حوزه بهداشت و درمان، واکسن استرازنکا به افراد زیر ۵۰ سال در این کشور تزریق نمی‌شود.

کارتون: MonteWolverton

## پریدن از روی پرده آهنین

کارتون + شرح

امیرمنصور رحیمیان | از نگاه سیاسی و مرزبندی های سیاسی، وقتی صحبت از دیوار می‌شود، اولین تصویر، تصویر دیوار برلین است که به چشم می آید. دیواری بلند که عاقبتش را همه می‌دانند. روز نهم نوامبر سال ۱۹۸۹ این دیوار که به پرده آهنین هم مشهور بود، به دست آدم هایی که نمی‌خواستند در قفس بمانند، فروریخت. لفظ قفس شاید درست نباشد ولی باید دید آن موقع ها مردمی که در خفقان کومونیست زندگی می کرده‌اند، هم همین نظر را داشته‌اند؟ به هرحال تا همین الان هم اتفاقات این طرف و آن طرف آن دیوار، دست مایه بسیاری از داستان ها و فیلم ها شده است. از دوری اعضای یک خانواده که هرکدام یک طرفش گیر افتاده بودند تا دادوستدهای پنهانی و رابطه های عاشقانه شکل گرفته بین آدم های یک سمت دیوار با سوی دیگرش و اتفاقات تلخ و شیرین دیگر. از نگاه تاریخ، این دیوار پرده‌ای بین حکومت های کمونیست و سخت گیر آن روزگار با حکومت های دموکراتیک اروپای غربی، بین تجددگرایی و زندگی بهتر غربی ها و واپس گرایی و زندگی سخت‌تر در بلوک شرق بود. دیواری که به دست آدم ها ساخته شد و با تمام زورش نتوانست مقابل میل آدم ها به زیستن دوام بیاورد و فروریخت. این ها را گفتم تا برسم به رابطه این دیوار با کارتون امروز که اثری از «مونت ولورتون» است.

کارتونی که به ظاهر هیچ ربطی به آن دیوار ندارد ولی در اصل در مورد مرزبندی ها و تفکر زندگی بهتر بین دو طرف دیوار است. دیواری که آمریکا در مرزهای جنوبی خود با مکزیک کشیده است. دیواری که در واقع پرده آهنینی است که همه مهاجران فکر می کنند لابد آن سویش چراغ های زندگی پرنورتر و جذاب‌تر است. به هرحال بعد از دوره ریاست جمهوری ترامپ، خیلی از اتفاقات و تصمیم هایی که ترامپ گرفته بود، دوباره بازبینی و بسیاری از آن ها ملغی شد. یکی از آن چیزهایی که لغو شد، پروژه دیوارکشی در مرزهای جنوبی بود. دقیقا مثل بیرون کشیدن سنگی که یک دیوانه در چاه انداخته است که هزار عاقل از بیرون آوردن آن عاجز هستند. به محض لغو تخصیص بودجه برای ادامه دیوارکشی و توقف این پروژه در مرز مکزیک، موج جدیدی از مهاجرت که در ۲۰ سال اخیر بی سابقه بوده است، به راه افتاد. موجی از مهاجران که بیشترشان هم کودکان زیر ۱۸ سال را تشکیل می دادند، به مرزها هجوم آوردند و دولت نوپای بایدن را با چالش ها و مشکلات جدی روبه رو کردند. مونت ولورتون به عنوان کارتونیست این موضوع را دست‌مایه اثرش قرار داده است. او دولت بایدن را به شکل خود بایدن تصویر کرده است که با خنده‌ای ابلهانه، جلوی تصویر قرار گرفته است، درحالی که در پشت سرش، سدی که با کلمه «موج مهاجرت» ساخته شده است، ترک خورده و متزلزل قرار دارد. سدی که هرآن احتمال فروپاشیدنش می رود و آدم های آن دور و برهم این موضوع را فهمیده اند و دارند فرار می کنند. اما باید با همان لبخند ابلهانه می گوید: «واقعا بحران جدی ای نیست.» ساده انگاری در مورد این موضوع، باعث بی اعتمادی مردم آمریکا به سیاست مداران خودشان می شود. معضلی که مستقیم دولت قبلی، مسئول به وجود آمدنش است. دولتی که بچه های مهاجران را از خانواده هایشان جدا کرده و مثل نازی ها در جنگ جهانی دوم، اردوگاه موقت برای آن ها ساخته بود. کاری که به قول خود سناتورهای آمریکایی، باعث شرمساری ابدی برای آمریکاست. ولی این تمام ماجرا نیست. موضوع دیگری که در مورد خود اثر باید دانست، این است که برای کارتونیست لابد خیلی سخت بوده است که بدون متهم شدن به نژادپرستی و دوراز حرف و حدیث بخواهد موضوعی را مطرح کند که دغدغه این روزهایش بوده است. برای او اعلام موضع در این باره کمی سخت‌تر از معمول جلوه می کند، با این حال ترسیم این اثر، از زاویه دید بی طرف هم نمی تواند درست باشد. برای همین ولورتون، خودش را می گذارد جای آدم هایی که پشت سد گیر کرده‌اند. سدی که آن قدر ترک خورده است که دیگر جایی برای وصله زدن ندارد. سدی که هرآن انتظار می رود بشکند و موجش اعتماد و اعتبار دولت بایدن را با خود ببرد.

احکام حقوقی تامین اجتماعی یا بازی با روح و روان بازنشستگان

## چرا مردم را تحریک می‌کنید؟

یادداشت

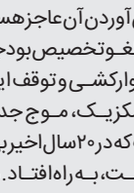

غلامرضا بنی اسدی
روزنامه نگار

«بگویید دولت و مجلس سر ما منت نگذارند و آن ۸۹ هزار میلیارد تومانی را که دولت برای همسان سازی مستمری بازنشستگان کارگری گذاشته است، پس بگیرد. وقتی معلوم نیست تامین اجتماعی با چه شیوه‌ای حساب و کتاب می کند.» این لب مطلبی بود که از زبان چند بازنشسته شنیدم و در فضای مجازی هم که گفته‌هایشان را رصد می کردم، به همین گزاره رسیدم. همین امروز بود که پیرمرد حساب می کرد و می گفت اگر مرحله دوم متناسب سازی اجرا نمی شد و همین ۲۶ درصد اعلامی به علاوه ۲۴۸ هزار تومان به حقوقم اضافه می شد، ۳۳۶ هزار تومان بیشتر از این مقداری می شد که به عنوان متناسب سازی و افزایش سالانه برایم حکم زده‌اند. دیگری هم که احکام سال پیش و ۱۴۰۰ را در دست داشت و با ماشین حساب گوشی اش مشغول محاسبه بود، گفت: حقوق من هم بدون محاسبه مرحله دوم متناسب سازی و فقط با همان افزایش اعلامی سنواتی، باید ۵۰۰ هزار تومان بیشتر می شد و سومی هم نتیجه حساب و کتابش همین بود. آن‌ها بدون اجرای مرحله دوم همسان سازی، مستمری بیشتری باید می گرفتند تا اینکه در بوق و کرنا کردند که مرحله دوم متناسب سازی (که قرار بود همسان سازی باشد) هم‌زمان با افزایش سنواتی، اجرا و احکام صادر شده است. جالب اینکه در آیتم های دیگر مثل حق اولاد هم رقم‌هایکسان نیست. حکایت عجیبی است این قصه بازنشسته‌ها و تامین اجتماعی. شاید اصل مطلب همانی باشد که حسن صادقی، رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری، به ایلنا گفته است: «کارشناسان سازمان تامین اجتماعی بر این باور غلط هستند که بازنشستگان، دانش محاسباتی ندارند و از پس محاسبه چند عدد و رقم ساده هم برنمی آیند.» همین موضوع هم باعث چنین بلبشویی شده است در احکام جدید صادر شده. انگار برخی ها «عمدی» دوست دارند مردم را تحریک کنند. اینجاست که باید مجلس محترم به مسئله بپردازد و مورا از ماست تامین اجتماعی بیرون بکشد که با ۸۹ هزار میلیارد تومانی که برای همسان سازی در نظر گرفته شده است، چه می کند؟ نهادهای محترم مسئول هم باید بررسی کنند این نارضایتی تراشی حضرات را. چرا باید فشار شرایط سخت اقتصادی را با فشار روانی ناشی از وعده‌های عملی نشده هم افزا کنند؟ به خیابان آمدن مردم مگر جز برای دشمن، سودی دارد؟ امیدواریم بررسی شود دلیل این همه وعده محقق نشده و بازی با روان ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار بازنشسته که هرکدام نان‌آور خانواده‌ای هستند و سفره‌ای بزرگ را می گردانند. من به صورت ذاتی، آدم بدبینی نیستم اما در این ماجرا از احساس ناخوشایندی لبریز شده‌ام که گمان می کنم برخی ها عامدانه به دنبال به خیابان کشاندن کسانی هستند که نانشان در معرض تهدید است. لطفا بررسی کنند قضیه را مسئولان محترم!

تاریخ‌نگار

۲۱ فروردین ۱۳۷۸

## شهادت «علی صیادشیرازی»

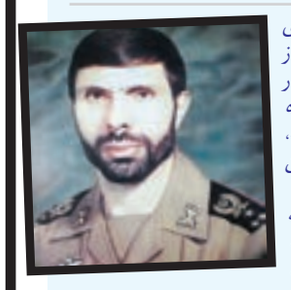

امیرسپهبد علی صیادشیرازی در سال ۱۳۲۳ خورشیدی در شهرستان درگز خراسان رضوی به دنیا آمد و پس از تحصیلات دبیرستان، وارد دانشگاه افسری شد. او در سال ۱۳۴۶ به دریافت درجه کارشناسی از دانشگاه افسری موفق شد و پس از طی دوره تخصصی توپخانه، به عنوان استاد در مرکز آموزش توپخانه اصفهان مشغول تدریس شد.

شهید صیادشیرازی از مخالفان رژیم شاه بود. تا جایی که عوامل آن رژیم دستگیر و زندانی اش کردند و در آستانه پیروزی انقلاب، در بهمن ۵۷ آزاد شد. او از این زمان، خود را در اختیار انقلاب اسلامی قرار داد و در صحنه‌های سرنوشت‌ساز پیکار با دشمنان انقلاب، فعالانه شرکت می‌کرد. شهید صیادشیرازی سال ۱۳۵۸ در بحبوحه غائله ضدانقلاب در کردستان، به فرماندهی عملیات شمال غرب کشور برگزیده شد و به همراه شهید چمران و دیگر رزمندگان اسلام، نقش مهمی در پاک‌سازی منطقه از لوث عناصر ضدانقلاب ایفا کرد.

این امیر ارتش، پس از خلع بنی صدر، برای پایان دادن به ناهماهنگی بین ارتش و سپاه، قرارگاه مشترک عملیاتی سپاه و ارتش را راه‌اندازی کرد و به عنوان فرمانده ارتش در همان جا مشغول فعالیت شد.

او در ۹ مهر ۱۳۶۰ به پیشنهاد شورای عالی دفاع و با حکم حضرت امام خمینی(ره)، به فرماندهی نیروی زمینی ارتش منصوب شد که در سلسله عملیات پیروزمندانه ثامن‌الائمه(ع)، طریق‌القدس، فتح‌المبین، بیت‌المقدس، رمضان، مسلم‌بن‌عقیل، مطلع‌الفجر، محرم، والفجر ۱ و ۲ و ۳، خیبر و بدر، فرماندهی نیروهای ارتش را بر عهده داشت.

شهید صیادشیرازی نقش حساسی در آزادسازی خرمشهر ایفا کرد و حضور او در ۸ سال دفاع مقدس، پیروزی‌های بی‌شماری را برای ایران به همراه داشت. او در تیرماه ۱۳۶۵ به فرمان امام به عضویت شورای عالی دفاع منصوب شد و در اردیبهشت ۱۳۶۶، به درجه سرتیپی ارتقا یافت.

شهید صیادشیرازی در سال ۱۳۶۸ به سمت معاونت بازرسی ستاد ارتش، در شهریور ۱۳۷۲ به سمت جانشین رئیس ستاد کل ارتش و در فروردین ۱۳۷۸، از طرف مقام معظم رهبری به درجه سرلشکری نائل آمد که این درجه با افتخار شهادت به سپهبدی ارتقا یافت.

سرانجام امیر سپهبد صیادشیرازی، جانشین ستاد کل نیروهای مسلح، در بامداد بیست و یکم فروردین ۱۳۷۸ به دست عوامل گروهک منافقین در تهران به شهادت رسید و در تشییعی باشکوه، با حضور رهبر معظم انقلاب اسلامی و انبوه مردم در بهشت زهرا(س) به خاک سپرده شد.

## زین قند پارسی

علیرضا حیدری | مدرس و ویراستار

**پرسش**

**درباره دو کلمه «گزارشات» و «پاکات» که در مکاتبات اداری زیاد به کار می‌رود، توضیح دهید.**

**پاسخ**

**پیش از این نیز در این باره توضیح داده‌ام و تاکید می‌شود که واژه‌های فارسی را نباید با «ات» جمع بست. متاسفانه این اشکال در نامه‌های اداری فراوان دیده می‌شود.**

**گزارشات، پاکات، آزمایشات، سفارشات، فرمایشات و... واژه‌هایی فارسی است و باید با «ها» جمع بسته شوند.**

***گزارش‌ها، پاکت‌ها، آزمایش‌ها و...***

#زین_قند_پارسی